



قصورها را جبران کنیم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای گفت: «حقوق ملت، حقوق حاکمیت و آن چیزی که از بیانات مقام معظم رهبری و جمع‌بندی‌ها است. حضرت علی (ع) در نامه‌اش به مالک اشتر، یکی از حقوق ملت را بر خورد منصفانه با این مردم می‌داند. انصاف در برخورد با هر کسی که در این جامعه است. رنگ، نژاد، جنسیت، قومیت و منطقه در ارتباط با ارزش در برابر خداوند بی‌معناست. ارزش، تقواست، حاکم، مدیر، مسئول وظیفه‌اش این هم فرمودند. حاکم، مدیر، مسئول وظیفه‌اش این است که در حقوق مردمی که از آن حرف می‌زنیم، با تمام وجود، نسبت به مردم با رحمت و لطف برخورد کند.» او ادامه داد: «حرکت بی‌خطا، بسته به جایگاه، مقام و موقعیت معنا و مفهوم خودش را پیدا می‌کند. اگر ما در جایگاه‌های درستی قرار گرفته باشیم، باید تصمیمات درست و سیاست‌های درست اعلام، اعمال، اجرا و نظارت کنیم.» پزشکیان ارتباط حقوق مردم و حاکمیت را متقابل دانست و گفت: «حاکمان در این چار چوب و قانون، حاکمان با یکبیه و دبیده و قیافه‌های خاص نیستند. از مردم و با مردم هستند و این دو حقوقی دارند. حقوقی که در قانون اساسی و نگاه مقام معظم رهبری است، نسبت به مردم قصورهای زیادی را داریم و تلاش می‌کنیم تا جایی که از دستان بر بیاید، این قصورها را جبران کنیم. کتمان نمی‌کنیم، من اینجا ایستاده‌ام تا خدمتگزار مردم باشم. مردم تا جایی که ممکن بوده، دین خودشان را نسبت به ما قبل و بعد از انقلاب ادا کرده‌اند. مردم ادا کردند، دسته و جناح و گروه ادا نکرده است. این مردم هستند که دشمن را ناامید کرده‌اند و این وظیفه من دولت است که بتوانم مردم را در تصمیم‌گیری و سیاست همراهی داده و سعی کنم به دردها و نگرانی‌های آنها برسم و حل‌شان کنم.»



هشدار درباره جمع‌آوری اطلاعات

غلاحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در دیدار با کارکنان دستگاه قضایی استان یزد گفت: «یکی از درخواست‌های به‌حق مردم این است که زود تعیین تکلیف کنید. می‌دانم که سرتان شلوغ است، از یک جاهایی باید استعلام بگیرید و جواب نمی‌دهند. می‌دانم که خیلی جاها نیاز به کارشناسی دارد. همه این‌ها را می‌دانم و با علم به همین می‌گویم. تا آنجایی که می‌توانید امروز کاری کنید که طرف زندان نرود، کاری کنید که زندان نرود. اگر کسی در زندان است و می‌تواند امروز آزاد شود، کاری کنید که امروز آزاد شود. برای مان ساده نشود که زندان برود و بگویم دو روز هم زندان باشد، چه می‌شود. برادران عزیز، خیلی وقت‌ها خیلی چیزها می‌شود. یک روز به زندان رفتن، مسیر زندگی خانواده طرف را عوض می‌کند. خواهش می‌کنم هر مقداری که ممکن است، آن کاری که می‌توان امروز انجام داد را به‌فردا نیندازید.» رئیس دستگاه قضا همچنین گفت: «سفارشی به دستگاه‌های نظارتی است. یک گزارشی برای بخش‌های نظارتی می‌آید و مرحله‌ای راطی می‌کند؛ گاهی اوقات قبل از این که فردا در جریان قرار بدهند، قبل از اینکه رئیس کل دادگستری در جریان قرار گیرد، مسئول مافوق در جریان قرار گیرد؛ شروع به اقداماتی از جمله جمع‌آوری اطلاعات ... می‌کنند. به قول خودمان یک چتر اطلاعاتی باز کنیم. خود فرد و خانواده را زیر چتر اطلاعاتی می‌برند که کجای زندگی اش اشکال دارد. خود این در بسیاری مواقع خلاف شرع، قانون و ضرر است. این چه کاری شد؟ البته این را نسبت به داخل نمی‌گویم، در بیرون هم همین است. فرض کنید لغزشی پیدا شده است، در قدم اول می‌توانیم جلوی این لغزش را بگیریم، چرا صبر می‌کنیم؟ نگاه می‌کنیم و کاری انجام نمی‌دهیم. تا خدای نکرده او ته دره برود و بباییم یقه‌اش را بگیریم. کجای این صیانت و حراست است. خیلی از وقت‌ها، کجای این شرعی و قانونی است.»

قزارش استانی



سیدمحمد رضا موالی‌زاده، استاندار خوزستان در مراسم تشییع احمد بالدی / عکس: ایرنا

شعله‌ای که آتش نشد

ارزیابی نقش عوامل اثرگذار در جلوگیری از تبدیل **خودسوزی احمد بالدی** به بحران در خوزستان



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

پس از مرگ احمد بالدی، مجموعه رویکردهایی که در مدیریت بحران در پیش گرفته شد، از نظر اهالی خوزستان، کنشگران مدنی و سیاسی جلوی شروع یک اعتراض گسترده را که بیش از همه آن راناشی از خشم قومی می‌دانستند گرفت. در این میان نحوه مواجهه استاندار بومی و عرب و همراهی موثر احزاب سیاسی به‌ویژه اصلاح‌طلبان استان بسیار پررنگ بود. اگر چه سهم این نکته که چقدر جایگاه سیاسی پدر جوان اهوازی که از فعالان سیاسی ریشه‌دار خوزستان است، در ورود احزاب سیاسی به موضوع اثرگذار بوده، محل سوال است. با این حال فعالان سیاسی در خوزستان سهم مهمی در آرام‌سازی فضای پس از حادثه برای استاندار و احزاب قائل هستند.

▼ یک جرقه بر انبار التهاب خوزستان

خودسوزی احمد بالدی، جوان اهوازی که در اعتراض به تخریب مغازه پدرش خودسوزی کرده بود، نگرانی از ورود به موج جدیدی از

اعتراضات را در خوزستان ایجاد کرده بود. چراکه یک جرقه کوچک در استان خوزستان ظرفیت ورود استان به یک شرایط بحرانی را دارد؛ از فقر و اعتراضات میبشتی گرفته تا احساس بی‌عدالتی، بحران‌های تکراری محیط‌زیستی و نبود حق تنفس، و تنش‌های قومی همه موضوعاتی است که پتانسیل اعتراض را در خوزستان بالا برده است. به‌ویژه آنکه در وقوع این اتفاق، نقش مدیران شهری پررنگ بود. آنها تا کید داشتند که حکم قضایی داشتند و برای گفت‌وگو رفتند، حال آنکه روایت پدر احمد چیز دیگری است: «پسرم وقتی دید نیروهای اجرائیات در حال تخریب محل هستند، التماس کرد که صبر کنند، اما کسی گوش نکرد. گفت خودش را آتش می‌زند تا شاید مانع شوند. یکی از مأموران گفت: بسوزان ببینم چطوری می‌سوزی.» این رویکرد عوامل شهرداری، همان جرقه‌ای بود که احمد عصبانی را به کام مرگ کشاند و می‌توانست آتش اعتراضاتی دیگر را نیز روشن کند. با این حال برخی فعالان سیاسی و اجتماعی در استان خوزستان معتقدند فضای ملتهب شکل گرفته در استان و بازتاب ملی آن، با برخی مداخلات سیاسی و مدیریتی در روزهای پس از وقوع حادثه کنترل شد.

▼ مدیریت روایت

دادستان اهواز ابتدا بیانی‌ای صادر کرد که در آن تلاش کرد

قاسم آل‌کثیر فعال سیاسی و اجتماعی خوزستان:

اصلاح‌طلبان میانجی جامعه معترض و ساختار رسمی بودند

مدیریت روایت حادثه را به دست بگیرد و از تبدیل شدن آن به یک بحران سیاسی - قومی جلوگیری کند. هر چند که به عقیده برخی متن بیانی‌ه می‌خواست یک حاشیه امن برای مدیران شهری ایجاد کند و فضای نقد را محدود کند چرا که باز هم به مردم نسبت به هر گونه اقدام و بازی کردن در زمین دشمن هشدار می‌داد و جریان اعتراض را همسو با بازی در زمین دشمن می‌دانست: «هر فرد یا جریان و با هر گرایشی، همگام با دشمنان میهن اسلامی، بخواهند از این حادثه برای ایجاد تفرقه قومیتی و برهم زدن آرامش و امنیت عمومی بهره‌برداری کنند، دستگاه قضایی استان با جدیت و اقتدار، قاطعانه، قانونی و بدون اغماض برخورد خواهد کرد.» با این حال عملکرد دادستانی در این زمینه قابل قبول عموم مردم قرار گرفت. دادستانی در بخش دیگری از بیانی‌ه نخست خود ضمن هشدار به افراد و جریاناتی که بخواهد از این حادثه در راستای اهداف دشمنان برای ایجاد شکاف قومی یا برهم‌زدن آرامش عمومی استفاده کند، اعلام کرد: «رسیدگی دقیق و همه‌جانبه به این حادثه در دستور کار ویژه قرار گرفته و با جدیت از سوی مراجع قضایی در حال پیگیری است.» در ادامه نیز با مقصر اعلام کردن مجریان شهرداری، نسبت به بازداشت شهردار منطقه ۲ و مسئول اجرائیات شهرداری منطقه ۳ اهواز اقدام شد. امیر خلیفان در توضیح این موضوع با اشاره به انقضای مهلت قرارداد برای صاحب دکه و خودداری از تخلیه مغازه توضیح می‌دهد که در هر صورت به شهرداری دستور داده شد که تخلیه این واحد با رعایت کامل موازین قانونی، حقوقی، شرعی و حقوق شهروندی، صیانت از اموال نامبرده، در زمان مناسب و بدون هیچ‌گونه تنش‌ای انجام شود، اما شهرداری در این حادثه بر اساس دستور مقام قضایی عمل نکرد. رویکرد دادستانی در اعلام سریع نتیجه اولیه بررسی‌ها و سپس تعلیق و بازداشت مقام‌های شهرداری، در فضای سیاسی و اجتماعی خوزستان پیام مهمی داشت؛ پیامی که به گفته برخی کنشگران محلی، «ترمیم‌کننده بخشی از اعتماد از دست‌رفته» بود. در شرایطی که معمولاً روند‌های اداری رسیدگی به خطاهای مدیریتی به کندی پیش می‌رود، اقدام شفاف و نسبتاً فوری دستگاه قضایی باعث شد بخشی از تنش اجتماعی فروکش کند و روایت مسلط به سمت «پاسخ‌گویی» حرکت کند.

▼ دیر اما مؤثر

با این وجود، احتمال تشدید بحران به دلیل حساسیت‌های قومی در خوزستان همچنان وجود داشت. به گفته مردم محلی در خوزستان این اتفاق در آستانه تبدیل شدن به یک اعتراض قومی بود، اما با حضور و تلاش فعالان سیاسی استان به‌ویژه احزاب اصلاح‌طلب و نقش موالی‌زاده، استاندار خوزستان که خود از اقوام عرب این استان است، در کاهش تنش اثرگذار بوده است. هر چند که برخی از ورود دیر هنگام استاندار گلایه داشتند و در روزهای نخست ماجرا استانداری را به بی‌عملی متهم می‌کردند. مهرداد احمدی شیخانی در یادداشتی به این موضوع گلایه کرده و نوشته بود: «اینکه در همه خبرهای استانداری، هیچ بازتاب و واکنشی نسبت به پرسامدترین خبر استان نیست، حکایت از آن دارد که متأسفانه مدیران و معاونین و مشاورین استاندار حتی متوجه نیستند که حضور به‌موقع استاندار در بیمارستان جهت دلجویی از خانواده آن پسر جوان، چقدر می‌تواند به ایجاد آرامش و کاستن از التهاب کمک کند؛ آن هم از استانداری که خود به شخصه برای منصرف کردن جوان دیگری از خودکشی، وارد عمل شده است.» در نهایت اما استاندار به حادثه‌ای که بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای داشت، ورود کرد. به گفته اهالی خوزستان، موالی‌زاده توانست با استفاده از سرمایه اجتماعی که به دلیل عرب بودن میان اعراب استان دارد، در مدیریت صحنه و کاهش تنش قومی

از تبدیل شدن این ماجرا به یک بحران جلوگیری کرد. در مجموع، ترکیب اقدام سریع، همدلی نهادی، پاسخ‌گویی رسمی و پیگیری فعالان سیاسی و اجتماعی اهواز برای احقاق حقوق این خانواده باعث شد این واقعه در سطح یک تراژدی اجتماعی باقی بماند و به یک بحران جمعی دامن‌دار تبدیل نشود.

❖ **عملکرد مدیران به‌ویژه استاندار را در این ماجرا چطور ارزیابی می‌کنید؟**

عملکرد استاندار خوزستان در ماجرای مرحوم احمد بالدی را می‌توان در چارچوب مدیریت میدانی بحران تحلیل کرد. حضور مستمر و پیگیری‌های مستقیم ایشان که تنها در قالب یک رفتار اداری نبود بلکه در تلاش بود تا از شکل‌گیری «فاصله نمدین» میان ساختار رسمی و جامعه جلوگیری کند؛ فاصله‌ای که در شرایط آنومیک خوزستان می‌تواند بسیار هزینه‌ساز شود. استاندار از همان ساعات بستری‌شدن بالدی در بیمارستان سوانح با حضور و گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره در کنار بیمار و خانواده، عملاً نوعی هم‌دردی دولتی را به نمایش گذاشت؛ اقدامی که می‌تواند الگویی به‌عنوان مدل‌آخله ترمیمی در لحظه حساس شناخته شود. گفت‌وگو با پدر و بستگان مرحوم و همچنین دستور صریح به کادر درمان برای پیگیری ویژه درمان باعث شد پیام رسمی روشنی به افکار عمومی مخابره شود که این موضوع جدی گرفته شده و دولت در کنار خانواده است. پس از درگذشت مرحوم بالدی نیز استاندار با تداوم حضور میدانی —از غسالخانه تا نماز میت، از مراسم تدفین در روستاهای اطراف اهواز تا شرکت در مجالس تسلیت - نقش مهمی در مهار احتمالی خشم جمعی و کاهش بدگمانی اجتماعی داشت. در جامعه‌ای که تجربه فشارهای معیشتی انباشته‌شده دارد، چنین حضورهایی کارکردی اثرگذار هستند.

این الگوی رفتاری، از منظر سیاسی نیز نشان‌دهنده فهم دقیق استاندار از حساسیت‌های فرهنگی و هویتی جامعه عرب خوزستان است؛ جامعه‌ای که احترام، حضور و همدلی را به‌عنوان نشانه‌های اعتماد و مشروعیت می‌شناسد. بنابراین می‌توان گفت که عملکرد استاندار در این حادثه، در کنار اقدامات سایر نهادها نقش مهمی در تثبیت آرامش، جلوگیری از تنش‌زایی و مدیریت روایت داشته است.

❖ **آیا انتخاب یک استاندار بومی که آشنا به مسائل استان است**

کردم بخشی از رفتارهای اعتراضی در جامعه خوزستان را باید در چارچوب کاهش نسبی اعتماد اجتماعی، انباشت نارضایتی‌ها و... تحلیل کرد. وضعیت‌هایی که معمولاً می‌توانند کوچک‌ترین رخداد را به یک بحران بدل کنند.

باین حال، اینکه این واقعه به بحران امنیتی گسترده تبدیل نشده به‌نظم بخشی از آن حاصل مداخله سریع، هماهنگ و پیشگیرانه نهادهای رسمی و اتخاذ رفتارهای مبتنی بر کاهش تنش بود. در همان ساعات اولیه، واکنش مستقیم عالی‌ترین مقام اجرایی کشور با صدور پیام تسلیت و دستور فوری برای پیگیری دقیق ماجرا، نقش مهمی در قطع زنجیره گسترش خشم اجتماعی داشت. این اقدام، پیام روشنی به افکار عمومی داد مبنی بر اینکه موضوع نادیده گرفته نخواهد شد و سازوکارهای رسمی برای پاسخ‌گویی فعال شده است.

پس از آن، نماینده دولت در خوزستان با حضور در بیمارستان و ملاقات با مرحوم بالدی در زمان بستری‌بودن، عملاً نوعی همدلی نهادی را به نمایش گذاشت. امری که در کاهش احساس تنها گذاشته‌شدن و بازسازی اعتماد حداقلی در میان جامعه مخاطب تأثیرگذار بود. از سوی دیگر، تماس‌های مستمر مقامات دولت و افراد صاحب‌نام سیاسی کشور با خانواده و پیگیری مستقیم وضعیت آنان و همچنین حضور و همدلی افراد شاخص فعال سیاسی و اجتماعی اهوازی همراه با التهاب در افکار عمومی و اقدام شورای شهر در پذیرش استعفای شهردار اهواز، نشان داد که ساختار رسمی در پی پاسخ‌گویی و ترمیم خطای نهادی است. این رویکرد

